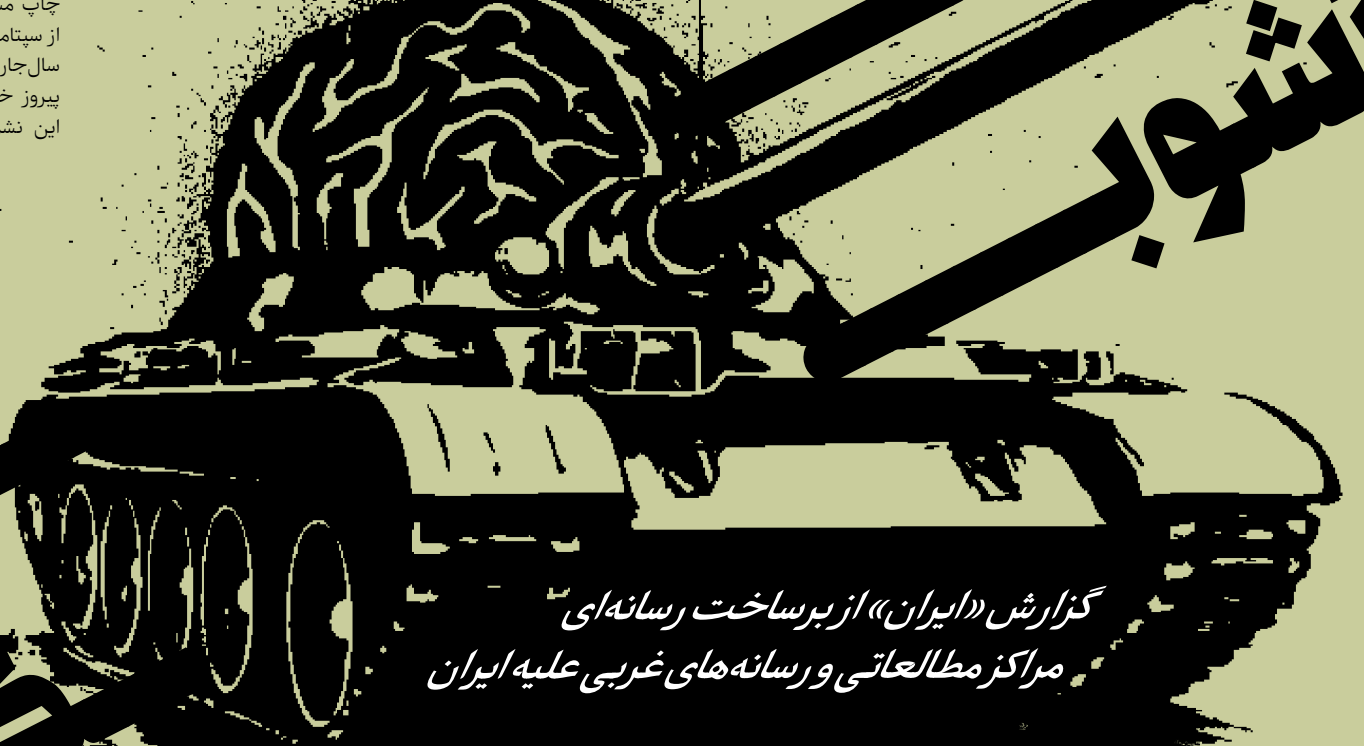


اندیشکده‌ها آشوبگر



گزارش «ایران» از بساخت رسانه‌ای مراکز مطالعاتی و رسانه‌های غربی علیه ایران

گروه سیاست/ اندیشکده‌ها بیشتر در مراحل نخستین فرایند سیاست‌گذاری، یعنی مراحل تعریف مسأله و طراحی دستورالعمل، تأثیرگذار هستند. در امریکاهای کاملاً متفاوتی برای اثرگذاری در فرایند تصمیم‌گیری وجود دارد. در حالی که برخی تلاش می‌کنند با تلاش‌های بی‌سر و صدا و پشت پرده به مقصود خود برسند، عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند با جهت‌دهی به افکار عمومی، اهداف خود را دنبال کنند. بیشتر اندیشکده‌های مهم امریکا از هر دو ابزار برای تأثیرگذاری در فرایند سیاست‌گذاری استفاده می‌کنند. ماجرای قوت مهسالمینی و حوادث پس از آن، انعکاس گسترده‌ای در فضای رسانه‌های غربی و شبکه‌های اجتماعی داشت و بالطبع در سطح اندیشکده‌های امریکایی و اروپایی نیز به‌طور قابل‌توجهی به آن پرداخته شد. اندیشکده‌های فعال در زمینه مسائل خاورمیانه و ایران، به بررسی این موضوع پرداخته و تحلیل‌های متنوعی ارائه کردند. جایگاه و اهمیت مراکز مطالعات دیگر بر کسی پوشیده نیست. این مراکز نه‌فقط به عنوان یک مرکز اندیشه‌ورز در کنار سیاست‌گذاران ایفای نقش می‌کنند، بلکه به عنوان بازوی تصمیم‌سازی و حتی تصمیم‌گیری نیز ایفای نقش می‌کنند. ایالات متحده امریکا به همراه انگلیس دارای بیشترین مراکز مطالعاتی و بنیادهای اندیشه‌ورز هستند تا جایی که این مراکز و بنیادها اسناد بالادستی کشورها و حتی‌ها معاهدات را به رشته تحریر در می‌آورند. امریکا در سند اخیر امنیت ملی خود موسوم به سند امنیت ۲۰۲۳ از ۲ کشور به عنوان تهدید نام برد و چین را به عنوان تهدید اصلی و ایران، روسیه و کره شمالی را به عنوان تهدیدهای دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر به ۴۸ صفحه این سند نگاه شود، دقیقاً همان خروجی مراکز مطالعات و مقالات بنیادها در طول سال‌های اخیر علیه ۳ کشور ایران، روسیه و چین قابل مشاهده است. همچنین این مراکز با وجود ادعای استقلال اما به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بنیادهای صهیونیستی وابسته هستند و ردیف بودجه مشخص در سازمان و نهادهای امریکایی و صهیونیستی دارند. بر این اساس به اختصار چند مرکز مطالعات مهم غربی به همراه فعالیت‌های ضد ایرانی خود در چند ماه اخیر به صورت نمونه آورده می‌شود:

موقفه کارنگی

موقفه کارنگی که لقب اولین اتاق فکر جهانی امور بین‌المللی را یکد می‌کشد دارای ۶ شعبه در امریکا، چین، روسیه، هند، بلژیک و لبنان است. درآمد آنها در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۳۵۰ میلیون دلار بوده است. نکته جالب دیگر آنکه موقفه کارنگی سالانه لیست اشخاص و بنیادها به همراه هزینه‌های اهدایی را نیز منتشر می‌کند. به‌طور مثال در سال ۲۰۲۰ بنیادهایی همچون بنیاد راکفلر، شرکت فیس‌بوک و حتی سفارت ژاپن نیز در لیست کمک‌کنندگان دیده می‌شود. این موقفه در تاریخ ۱۱ اکتبر سال جاری میلادی در مقاله‌ای با عنوان «آیا اعتراضات در ایران می‌تواند رژیم را سرنگون کند؟» ضمن بررسی اغتشاشات اخیر، دستور کار وجود رهبری واحد و دستور کار سیاسی را برای براندازی جمهوری اسلامی تجویز می‌کند.

در این مقاله آمده است: واضح است که اعتراضات کنونی با موج‌های قبلی متفاوت است زیرا مردم از همه اقشار در شهرهای سراسر کشور را متحد می‌کند، آنها نه



اکونومیست

The Economist هفته‌نامه خبری و بین‌المللی به زبان انگلیسی است که در لندن منتشر می‌شود و به شرکت روزنامه اکونومیست با مسئولیت محدود تعلق دارد. چاپ مستمر آن به دست بنیانگذار آن جیمز ویلسون از سپتامبر ۱۸۴۳ آغاز شد. این نشریه به تاریخ ۲۶ اکتبر سال جاری میلادی در مقاله‌ای با عنوان «آیا زنان ایران پیروز خواهند شد؟» به استقبال تحولات ایران رفت. این نشریه ادعا می‌کند که این تحولات و آشوب‌ها

The Economist

The Economist

برخلاف سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ به‌صورت توده‌ای است (با حمایت از آشوبگران و اغتشاشگران آنها را به تمامی مردم ایران تعمیم می‌دهد) و ادعا می‌کند که تمام مردم در این آشوب‌ها حضور دارند. ایران در آستانه براندازی است. همچنین این مجله جلد نشریه خود را به آشوب‌های ایران اختصاص داده است.

مرکز مطالعات واشنگتن برای سیاست‌خاور نزدیک

انستیتو واشنگتن برای سیاست‌خاور نزدیک، یک اندیشکده مستقر در واشنگتن دی.سی پایتخت ایالات متحده امریکا است که تمرکز آن بر سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در خاور نزدیک است. انستیتو واشنگتن که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شده، در بیانیه مأموریت خود می‌گوید: «در پی پیشبرد درکی متوازن و واقع‌گرایانه از منافع امریکا در کشورهای خاورمیانه و ترویج سیاست‌هایی است که از منافع امریکا در این کشورها حفاظت کند.» این انستیتو در سال ۱۹۸۵ توسط مارتین ایندایک، معاون سابق پژوهشی مدیران آپیک (کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل) بنیان گذارده شده است. این مرکز یکی از مراکز مطالعات غربی فعال علیه ایران است و در طول روزهای اخیر مطالب مختلفی را در مورد آشوب‌های ایران نگارش کرده است. به عنوان مثال طی یادداشتی به قلم رحیم حمید و روث ریگلر به نقش اقلیت‌های جنسی در آشوب‌های اخیر می‌پردازد. در این مطلب برخلاف مطالب قبلی روی قومیت‌ها تکیه کرده و با ارائه آمارهای کذب از فوتی‌های اخیر، بر اهمیت قومیت‌ها تأکید می‌کند. همچنین در ادامه یادداشت به نقل از حامد کنانی، نویسنده ساکن لندن در «مؤسسه دیالوگ برای مطالعات و تحقیقات»، بر نیاز به هماهنگی بین ایوزیسیون فارس-ایرانی و اقلیت‌های قومی به منظور دستیابی به یک ایوزیسیون واقعاً منسجم تأکید می‌کند: «اتحاد یک ایده رمانتیک مهم نیست و به کار جدی نیاز دارد و گروه‌های ایوزیسیون فارس باید تلاش کنند تا از مسأله مبارزه ملی اهوازی یا کردها، بلوچ‌ها، ترک‌ها، ترکمن، گیلک‌ها و غیره پرهیز نکنند. آنها فقط آزادی‌های اساسی و حقوق مدنی عمومی را که حداقل مطالبات است نمی‌خواهند، بلکه حکومت غیرمتمرکز هم می‌خواهند. تا این نظام سرکوب کنونی و استعمار داخلی پایان یابد و آنها راهی برای حفظ موجودیت و هویت فرهنگی خود داشته باشند.»

در کتاب «لایه اسرائیل و سیاست خارجی

امریکا» دو استاد برجسته امریکایی والت و میرشایمر از این مؤسسه در واشنگتن به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و با نفوذ لایه اسرائیل و سیاست خارجی امریکا در کنار اندیشکده‌های بزرگ دیگر مانند مؤسسه انترپرایز امریکا، مؤسسه بروکینگز، بنیاد هرتیج، مؤسسه هادسن (وابسته به شرکت رند) و جینسا نام می‌برند. این سازمان به‌دلیل داشتن پیوندهای قوی با گروه لایبگر حامی اسرائیلی کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل و به این دلیل که توسط یک کارمند سابق آپیک تأسیس شده مورد انتقاد قرار گرفته است.

فارن افرز

فارن افرز یک دوماهنامه جامع علمی امریکایی است که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شده است. تخصص این نشریه در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. این نشریه چاپ شورای روابط خارجی در امریکا است و معتبرترین نشریه در زمینه سیاست‌ها و روابط خارجه امریکا محسوب می‌شود.

این نشریه اخیراً در اقدامی عجیب یادداشتی از مصی (مسیح) علی‌نژاد کار کرده است. این نشریه کاملاً دارای نگاه ضد ایرانی و ضد روسیه و چین است.

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها کمی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر از کارشناسان زمینه‌های مختلف و دانشگاهیان پایه‌گذاری شد تا با پژوهش عمیق و موشکافانه، کنش‌های غیرقانونی را شناسایی کند و گزینه‌هایی را با هدف تقویت امنیت ملی امریکا و کاهش یا محو تهدیدهای مخالفان و معارضان امریکا برای سیاست‌گذاری ارائه کند. این اندیشکده ضدایرانی در اولین واکنش در تاریخ اول مهر، یادداشتی به قلم سعید قاسمی‌نژاد و بهنام طالب لو منتشر نمود

که طی آن، حوادث اخیر فرصتی برای تغییر سیاست امریکا نسبت به ایران و انزواي جمهوری اسلامی قلمداد شده است. نویسندگان مدعی هستند این حوادث نیز نمونه دیگری است که مردم ناراضی ایران، از اصلاحات به سمت انقلاب خواهی حرکت می‌کنند. نویسندگان ضمن انتقاد از دولت بایدن بابت صدور روادید برای هیأت ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، معتقدند که کاخ سفید باید با تدابیر «فشار حداکثری» به حمایت از حقوق بشر در ایران برخیزد. نویسندگان توصیه دارند که امریکا افراد و نهادهای ذیل در سانر و نقض حقوق بشر را به استناد فرامین اجرایی ۱۳۵۵۳ و ۱۳۸۴۶ تحت تحریم قرار دهد. برای مثال، موارد زیر را پیشنهاد داده‌اند:

- ۱- تحریم آل‌الله خامنه‌ای به‌دلیل نقض حقوق بشر
- ۲- تحریم وزرای کشور و ارتباطات و همچنین فرماندهان نیروی انتظامی
- ۳- ممنوعیت ورود مقامات ایرانی و خانواده‌های آنها به امریکا طبق بند ۷۰۳ قانون تخصیصات وزارت خارجه سعید قاسمی‌نژاد و بهنام طالب لو نیز در یادداشت مشترک دیگری در ۱۳ مهر، ۱۰ توصیه مشخص به دولت بایدن برای کمک به مخالفان نظام دارند:
- ۱ ترک میز مذاکرات هسته‌ای
- ۲ حذف یا محکومیت جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی و فشار بر متحدان برای قطع یا کاهش روابط
- ۳ تحریم مقامات حامی سرکوب از جمله رهبری، رئیس جمهور، وزیر ارتباطات و فرماندهان نظامی و انتظامی
- ۴ جلوگیری از ورود ناقضان حقوق بشر ایرانی و خانواده آنها به ایالات متحده
- ۵ افزایش حمایت لفظی از معترضان ایرانی و برجسته‌سازی سرکوب جمهوری اسلامی
- ۶ تلاش برای دسترسی مردم ایران به اینترنت از طریق ماهواره
- ۷ توقیف فنکش‌های ایران و ارسال پول حاصل آن برای یک صندوق تأمین اینترنت رایگان برای مردم ایران
- ۸ حمله سایبری به سیستم‌های فرماندهی و کنترل تهران
- ۹ ارسال اطلاعات ماهواره‌ای نقل و انتقال نیروهای سرکوب به معترضان برای موفقیت آنها در مبارزات خیابانی
- ۱۰ مقابله با اقدامات تهران در حمله به گروه‌های شبه نظامی کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق

گفتنی است این نهاد خواهان تحریم نهادهای مختلف ایران از جمله بخش انرژی، بانک مرکزی و سویفت بوده است. در سال ۲۰۱۵ از چهار شاهدی که در کمیته بانکداری سنای ایالات متحده امریکا درباره تحریم‌های ایران حضور داشتند دو نفر، از کارشناسان این بنیاد و یک نفر عضو هیأت مشاوران این بنیاد بودند.

Carnegie Endowment for International Peace

خواستار اصلاحات، بلکه تحقیر آشکار خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان می‌دهند. با این حال، برای مثال، برخلاف جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ و مشابه شورش‌های ناشی از سختی‌ها بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹، آنها فاقد هر گونه رهبر یا برنامه سیاسی هستند. البته اعتراضات کنونی می‌تواند آغازی بر پایان جمهوری اسلامی باشد. اما برای اینکه این اتفاق بیفتد، آنها نه تنها باید در مواجهه با اقدامات بی‌امان پایدار بمانند، بلکه تبدیل به جنبشی شوند که حول یک برنامه سازماندهی شوند که در حالت ایده‌آل فراتر از شعار علیه رهبر ایران باشد. ساختارهایی که انقلابیون اسلامی سال ۱۹۷۹ می‌توانستند به شبکه مساجد و روحانیت در داخل کشور تکیه کنند، امروز وجود ندارد، اما این جنبش می‌تواند بر انسجام در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تکیه کند. در نهایت این مطلب بر سه منطقه برای آشوب‌سازی و تجزیه ایران تکیه می‌کند (استان‌های سیستان و بلوچستان، شهرهای کردنشین و استان خوزستان) از نظر مقاله این سه استان نقش زیادی در پروژه براندازی با توجه به میزان محرومیتی که دارند می‌توانند داشته باشند.

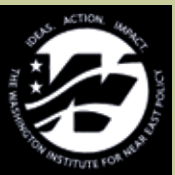
Foreign Policy

امریکا سفارش می‌دهد که روی عنصر قومیت تأکید کنند. در مقاله‌ای دیگر در تاریخ ۱۸ اکتبر به بررسی نقش سپاه پاسداران در جلوگیری از فروپاشی نظام جمهوری اسلامی تأکید می‌کند و سپاه را به عنوان عامل بازدارنده معرفی می‌کند. ضمن بررسی تاریخچه و اقدامات سپاه پاسداران روی این نهاد تأکید می‌کند و می‌گوید در تمام بحران‌های داخلی ایران سپاه توانسته است جلوی فروپاشی رژیم را بگیرد، پس اگر قرار است رژیم فروپاشد باید اول سراغ سپاه پاسداران رفت و این نهاد را از بین برد. نگارنده مقاله سه اصل فروپاشی از درون سپاه، مقابله مردم در برابر این نهاد و تحریم را برای انزواي سپاه تجویز می‌کند. در تاریخ ۱۸ اکتبر سال جاری میلادی مقاله دیگری در نشریه فارن پالیسی منتشر شد که به‌صورت رسمی از امریکا و انگلیس می‌خواهد که به حمایت از آشوبگران و اغتشاشگران بپردازند. در این مقاله از دولت‌های یاد شده می‌خواهد که دوبعد بین‌المللی و داخلی را در حمایت از آشوبگران فعال کنند. در بعد بین‌المللی ضمن حمایت از ایرانیان خارج‌نشین و همچنین سازمان‌های بین‌المللی برای محکوم کردن ایران، به این دو کشور توصیه می‌کند که به تحریم‌ها علیه سران جمهوری اسلامی و محدود کردن سفرهای آنان همت گمارند. در بعد داخلی هم انواع و اقسام حمایت‌های مالی و اینترنتی از آشوب‌سازان صورت بگیرد.

فارن پالیسی

فارن پالیسی یا «سیاست خارجی» نام مجله خبری سیاسی-اقتصادی است که بنیانگذاران آن ساموئل هانتینگتون و وارن منشل هستند و هر دو ماه یک بار منتشر می‌شود. این مجله که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد و متعلق به موقفه کارنگی برای صلح بین‌المللی بود، در ابتدا به صورت فصلنامه چاپ می‌شد ولی از سال ۲۰۰۰ هر دو ماه یک بار منتشر می‌شود. فارن پالیسی به‌عنوان یک مرجع برای جامعه دانشگاهی و علمی در سطح جهان است، اما با وجود این در طول ۴۰ روز گذشته مقالات مختلفی در راستای براندازی در جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآورده است که حتی برای شخصیت‌های علمی و دانشگاهی داخل هم قابل تأمل بود. برای مثال چند مقاله در این نشریه بررسی می‌شود:

در مقاله‌ای که در ۱۹ اکتبر سال جاری میلادی نگارش می‌شود بر مسأله قومیتی در ایران تأکید شده است و این مقاله بر قومیت‌های مختلف و نقش آنها در پروژه براندازی تأکید دارد و از قومیت‌های مختلف از عرب، بلوچ، ترک و کرد اسم می‌آورد. این مقاله، عمده‌ترین ویژگی این جنبش را مسأله قومیتی می‌داند و تأکید می‌کند برخلاف سایر تحولات ایران در سال‌های قبل عنصر قومیت تأثیرگذار است. در این مقاله به اتحادیه اروپا و



اینکه تحولات ایران به‌صورت ویژه در مراکز مطالعات غربی مورد توجه است، امری قابل پذیرش است. با توجه به جایگاه ایران در منطقه و همچنین در نظم بین‌الملل فعلی می‌توان این مسأله را امری عادی انگاشت، اما اینکه مراکز مطالعاتی خود ساخت علمی و آکادمی خود را کنار گذاشته و به آشوب‌سازی دامن می‌زنند قابل توجه است. مقالات و مطالب نگاشته شده در این مراکز سمت و سوی علمی نداشته و صرفاً به توصیه‌ها و دستورات آشوب‌سازی و منزوی کردن ایران می‌پردازند؛ توصیه‌هایی همچون، تحریم، منزوی کردن، ترور و از این قبیل.